متفکران سیاسی

لشک کولاکوفسکی و سیاست اخلاقی

رضا پارسا

کولاکوفسکی در جشن ده سالگی جنبش اصلاح طلبی لهستان آن گاهی که در سالن کوچک دانشگاه ورشو به سخنرانی پرداخت چه بسا می دانست که سخنرانی علنی اش دردسرهایی را برای او در پی خواهد داشت، آنچنان که بعدها نیز گفت: «می دانستم که آن سخنرانی کار را به دردسر و ماجرا خواهد کشاند اما ابعاد آن را پیش بینی نمی کردم.»

ابعاد آن سخنرانی که گویی برای کولاکوفسکی غیرقابل پیش بینی به نظیر نمی رسید، اخراج از حزب و ماجراهای متعاقب آن بود اما کولاکوفسکی این نماد تجدیدنظرطلبی وقت در آن سخنرانی چه گفته بود که اینچنین پردردسر می توانست باشد؟ «اکنون دیگر دریافته ایم، هر چند به راستی با تاخیر که بی عدالتی به سادگی بی عدالتی است، ترور صاف و ساده ترور است، تخریب فرهنگی پیش شرط شکوفایی فرهنگ نیست بلکه موجب ویرانی آن است، زور و سرکوب پیش شرط آزادی نیست بلکه زور است و سرکوب.» او این سخنرانی انتقادی را ده سال پس از «اکتبر ۱۹۵۶» و تن دادن ظاهری حزب به اصلاحات چنین به پایان برد: «بدترین چیز، فقر و فلاکت مادی نیست بلکه آنچه بیش از هر چیز ما را درهم می شکند، نبود چشم انداز آینده است؛ فقر معنوی، کمبود فضای تنفسی، ناامیدی و احساس رکود و بی تحرکی است. نبود همان چیزی است که اکثریت جامعه در اکتبر ۱۹۵۶ به آن دل بسته بودند. پس می بینیم که چندان دلیلی برای جشن و سرور نداریم.» کولاکوفسکی پس از این سخنرانی بود که از حزب اخراج شد و شاید چنین پروسه ای سپری باید می شد تا بسیاری نویسندگان و اندیشمندان از اندیشه اصلاح پذیری کمونیسم دست بشویند. اما با مروری بر سخنان انتقادی کولاکوفسکی آنگاهی که سیاست های کمونیستی را نشانه رفته است، به نیکی درمی یابیم که گویی سخن او تنها با آنان نیز نیست که دل در گرو اندیشه های مارکسیستی دارند که گویی کولاکوفسکی با یکایک ما سخن می گوید و حتی با آنهایی که به آزادی غیرکمونیستی و لیبرالیستی هم اعتقاد دارند. او همگان- چه سوسیالیست و چه لیبرالیست- را به اخلاق در سیاست فرامی خواند و از وجدان و مسئولیت شناسی در سیاست و مذمت بطالت، دروغ و تحمیل رنج سخن می گوید. کولاکوفسکی - به عنوان مثال- به ماجرای یک کهنه سرباز جنگ ویتنام می پردازد که به جرم سرقت در زندان بود و روزی در تلویزیون آمریکا در برابر خبرنگار آن رسانه قرار گرفت. کولاکوفسکی اشاره می کند که در گفت وگوی آن دو، خبرنگار سعی در القای این فکر به مخاطب خود داشت که جرم آن کهنه سرباز پیامد تجربه های وحشتناکش در جریان آن جنگ سبعانه بوده است، جنگی که او ناگزیر بوده در آن شرکت کند، حال آنکه زندانی مصر بود که ابداً چنین نیست و آن کاری است که خود کرده و نمی خواهد مسئولیت آن را به گردن دولت یا روسای سابقش بیندازد. کولاکوفسکی با تاکید بر شهامت این کهنه سرباز جنگ ویتنام در پذیرش مسئولیت اعمال خود می گوید که «اگر برای دنیا رستگاری مقدر باشد، این رستگاری مرهون وجود کسانی است همچون آن تبهکار شجاع و مسبب نابودی آن کسانی خواهند بود مانند آن خبرنگار به رغم حسن نیت شان.» و شاید طرح چنین نکته های بدیع، قابل تامل و آموزنده ای است که باعث شده تا منتقدان درباره کولاکوفسکی چنین به داوری بنشینند: «او نقش یک اندیشمند را به خوبی و استادی عهده دار می شود. با پیمودن راهی میانه- در میان نسبیت باوری و اصولگرایی و در میان علم و ایمان- ما را به اعتدال و خردگرایی فرامی خواند. اگرچه گاهی نیز به سختی می توان با او هم نظر شد اما بی شک همواره به راحتی می توان همراه او به تفکر و تامل نشست.»

بخش پایانی

همگرایی ها و واگرایی های هشت قدرت صنعتی جهان

دوستان مصلحتی

سیروس غفاریان

کشورهای گروه هشت که در واقع به دلیل اشتراک منافع سیاسی، اقتصادی و نظامی در عین رقابت و گاهی دشمنی و زمانی رفاقت های مصلحتی دارند، همه ساله در یکی از کاخ های موجود در یکی از این کشورها اجتماع می کنند. آنهایی که منافع مشترک اقتصادی و نظامی دارند، آن دسته از اعضای ناتو و اتحادیه اروپا هستند مانند فرانسه، انگلیس، ایتالیا و آلمان فدرال و بالاخره مملکت وسیعی که عضو این گروه است و با سایر اعضای هشتگانه، تضاد منافع اقتصادی و نظامی دارد، فدراسیون روسیه (اتحاد شوروی سابق) است. دو کشور بزرگ نیم کره غربی یعنی ایالات متحده آمریکا و کانادا از کشورهای بزرگ عضو ناتو و در واقع از متحدان فراآتلانتیکی اروپا هستند که عضو گروه هشت قدرت صنعتی هستند. رهبران این کشورها در سی ودومین گردهمایی قدرت های صنعتی در سن پترزبورگ در ۱۵ ژوئیه ۲۰۰۶ به مدت سه روز در کاخ کنستانتین گفت وگو می کنند. شهر سن پترزبورگ را که پطرکبیر در سه قرن پیش بنا کرد، درباره آن گفت که این شهر پنجره ای رو به غرب است. او نمی دانست که بعد از ۳۲۶ سال در شهری که او ساخته، سران قدرتمند غرب مهمان روسیه خواهند بود. هشت قدرت صنعتی در جریان یک چانه زنی سه روزه سعی بر آن دارند تا منافعشان تامین شود. چون هدف غایی سیاست و عمل مردان سیاسی تامین منافع از هر راه و به هر شکلی است. این رهبران مانند همه گردهمایی های بین المللی، پس از اجتماع کردن در یک سالن مجلل که مزین به پرچم این کشورها است به یکدیگر لبخند می زنند، از آن نوع لبخندهایی که ماکیاول در پانصد سال پیش به سیاستمداران توصیه کرده و بعد از تعارفات سیاسی که یک عمل روتین و متداول بین دیپلمات ها است، در مقابل دوربین خبرنگاران رسانه های گروهی جهان، دست یکدیگر را به گرمی می فشارند و پس از مرخص کردن خبرنگاران و فیلمبرداران تحت نظر مامورین حفاظتی و امنیتی، در پشت درهای بسته، مذاکراتی که همراه با چانه زدن هایی که تا حدودی جنبه پرخاشگری یا انتقادهای محترمانه دارد، درباره مسائل مورد نظر کشورشان صحبت می کنند. بده و بستان ها و امتیاز دادن های متقابلی که انجام می شود، بعداً آثار خود را در عرصه سیاسی و بین المللی نشان می دهد. هم چنانکه بعد از کنگره وین ۱۸۱۵ نمایندگان اتریش، روسیه، پروس و انگلستان طی اجلاسیه محرمانه مرزهای اروپا را تغییر دادند و حدود مرز فرانسه را به دوران قبل از ناپلئون رسانیدند. یا آن که در جریان کنفرانس برلین در ۱۸۸۴، بیسمارک صدراعظم آلمان که به صدراعظم آهنین معروف شده بود و همواره می گفت که حرف حق را باید از دهانه توپ شنید، نقش داور بزرگی را بازی کرد و مستعمرات آفریقایی را بین اروپائیان طوری تقسیم کرد که بخش عمده ای از کنگو که معادن مس و الماس داشت به لئوپولد پادشاه بلژیک رسید که با خانواده امپراتور آلمان خویشاوندی داشت و بخش وسیعی از قاره آفریقا را نیز نصیب آلمان کرد که بعد از شکست آلمان در جنگ جهانی اول مطابق نشست های محرمانه ورسای بین فرانسه و انگلستان تقسیم شد. آن طور که اوضاع و احوال سیاسی بین المللی در وضعیت کنونی نشان می دهد همه ناظران بر این عقیده اند که سران گروه هشت در موارد زیر به چانه زنی پرداخته و در صورت عدم توفیق در خواسته های خود، این چانه زنی ها را به جلسات آینده موکول خواهند کرد.

■ **مسائل اجلاسیه سی و دوم**

از آنجا که نمایندگان کشورهای پنج عضو دائم شورای امنیت به اتفاق آلمان (۱+۵) در ۱۲ ژوئیه ۲۰۰۶ در اجلاس پاریس، توصیه کرده بودند که جمهوری اسلامی ایران، غنی کردن اورانیوم را معلق سازد و در جریان سفر جورج بوش به آلمان فدرال و ملاقات با مرکل صدراعظم آن کشور بر این موضوع تاکید مجدد شد. بعد از این دیدار، رئیس جمهور آمریکا برای زمینه سازی در مورد همراه ساختن پوتین رهبر روسیه با سیاست های آمریکا در مورد مسئله اتمی ایران و کره شمالی و سایر موارد، در ۱۴ ژوئیه ۲۰۰۶ یعنی یک روز قبل از افتتاح رسمی کنفرانس و سن پترزبورگ رفت. بر همه ناظران سیاسی مسلم شده که یکی از مسائل مطروحه در این اجلاسیه بررسی مسئله اتمی ایران با توجه به پیشنهاد هسته ای بوش به پوتین در برابر قطع همکاری هسته ای با ایران و مسئله دیگر لغو برنامه های موشکی و اتمی کره شمالی در برابر اعطای امتیازات اقتصادی به این کشور است. به غیر از موارد فوق، موضوع تجارت جهانی و عضویت فدراسیون روسیه در سازمان تجارت جهانی مذاکره درباره محیط زیست به موازات خطراتی که بیماری ایدز بشر قرن بیست و یکم را تهدید می کند و چنانچه وقت کنفرانس اجازه دهد به بررسی بحران محیط زیست پرداخته خواهد شد. چون در جریان کنفرانس کیوتو در ژاپن به سال ۱۹۹۷، کشورهای در حال توسعه قطعنامه ای را ارائه دادند که طبق آن تا سال ۲۰۰۸ میزان گازهای گلخانه ای (Green House Gases) یعنی آلاینده هایی که فضای کره زمین را گرم می کند نسبت به سال ۱۹۹۰ بایستی به میزان پنج درصد کاهش یابد. اما جورج بوش وقتی که به ریاست جمهوری رسید، اظهار داشت که ایالات متحده مصوبات کنفرانس کیوتو را در مورد ایالات متحده قبول ندارد. (ایالات متحده ۲۵ درصد گازهای گرم کننده اتمسفر زمین را تولید می کند). جورج بوش در یک کنفرانس مطبوعاتی در این مورد گفت که کاهش گازهای گلخانه ای و گازهایی که جو زمین را گرم می کند، متضمن تعطیل کردن پاره ای از کارخانجات صنعتی این کشور است که از آنها گازهای دی اکسیدکربن متصاعد می شوند، به ضرر اقتصاد و صنعت ایالات متحده است. در جریان کنفرانس پانزده کشور عضو اتحادیه اروپا در شهر «گوتبورگ» (Goteborg) سوئد که در ۲۰۰۱ در حضور جورج بوش تشکیل شد، بار دیگر ایالات متحده از قبول قطعنامه کنفرانس کیوتو خودداری کرد. از این رهگذر تا حدودی بین ایالات متحده و کشورهای اروپایی نوعی واگرایی در حد ضعیف ایجاد شد. به غیر از موارد فوق بحران و عدم امنیت جهانی انرژی نیز از موضوعاتی است که بایستی درباره آن تصمیم گیری شود به ویژه آن که روسیه در سال گذشته صدور گاز خود را به گرجستان و اوکراین قطع کرد. مهمترین مسئله که برای روسیه جنبه حیاتی دارد نزدیک شدن ناتو به مرزهای اصلی روسیه و نفوذ آمریکا در کشورهای آسیای میانه و قفقاز است که در واقع حریم امنیتی روسیه محسوب می شوند. از جانب دیگر تجاوز اسرائیل به لبنان هم در مسئله تصمیم گیری پایان کنفرانس بی تاثیر نخواهد بود و اختلافاتی را به وجود خواهد آورد. مسئله تروریسم در عراق و منطقه چچن و ماوراء قفقاز با آن که مورد توجه دو کشور روسیه و آمریکا است ولی اشغال عراق و استمرار آن توسط ایالات متحده و انگلستان از جانب پوتین به عنوان فاکتوری که بتواند دموکراسی را در عراق ایجاد کند مورد قبول روسیه نیست زیرا پوتین در جریان مصاحبه مطبوعاتی در بامداد روز ۱۵ ژوئیه که در حضور جورج بوش برگزار شد پیاده شدن دموکراسی به سبک عراق که در نتیجه اشغال آن کشور به زعم آمریکا حاصل خواهد شد مورد قبول پوتین نیست ضمناً پوتین اظهار امیدواری کرد که مسئله هسته ای ایران با توافق با آمریکا به صورت مسالمت آمیز حل شود.

به علت اهمیت این کنفرانس که بیشتر وقت خود را مصرف مسائل ایران و کره شمالی می کند، رهبرانی از اتحادیه اروپا، آژانس بین المللی انرژی اتمی و جمهوری خلق چین که چهارمین قدرت اقتصادی جهان است که بیش از یک میلیارد جمعیت دارد و بالقوه جزء قدرت های صنعتی و اقتصادی است و می تواند کاندیدای عضویت در گروه هشت شده و این جرگه اقتصادی سیاسی را به گروه ۹ تبدیل کند. هندوستان، فنلاند و برزیل و همچنین کوفی عنان دبیرکل سازمان ملل متحد در این اجلاسیه حضور دارند. مردم صلح دوست دنیا، چشم به این کنفرانس و قطعنامه آن دوخته اند زیرا ایجاد این اجلاس بزرگترین رویداد سیاسی جهان بعد از فروپاشی اتحاد شوروی سابق است و پوتین به عنوان رهبر دوره ای این اجلاسیه است و هر تصمیمی که گرفته شود، مردم جهان، نقش ولادیمیر پوتین را به وضوح در آن مشاهده خواهند کرد.

ضمناً ناگفته نماند که ژاپن، آلمان و هندوستان از جمله کشورهایی هستند که می خواهند با توافق دیگر کشورهای قدرتمند به عضویت دائمی شورای امنیت نائل شوند.

■ **همگرایی ها و واگرایی ها بین هشت قدرت صنعتی**

کشورهای فرانسه، آلمان فدرال، انگلستان و ایتالیا که چهار قدرت صنعتی اروپا هستند ضمن عضویت در ناتو، عضو فعال اتحادیه اروپایی هستند و به جز انگلستان که برای حفظ ریشه های سنتی در کشورش هنوز پوند را به عنوان پول خود حفظ کرده است، سایر اعضا از یورو به عنوان پول واحد اروپایی استفاده می کنند. علاوه بر آن در زمان ریاست جمهوری فرانسوا میتران بر فرانسه و صدارت هلموت کهل بر آلمان دو کشور در جوار ناتو یک نیروی واکنش سریع تشکیل دادند که در هنگام لزوم به کمک ناتو بشتابد و علاوه بر آن میتران و کهل بر قبر سربازان آلمانی و فرانسوی که در جریان جنگ جهانی دوم کشته شده بودند مشترکاً تاج های گل نثار کردند و به دشمنی هایی که احتمالاً ممکن است بین دو کشور وجود داشته باشد خاتمه دادند. ایالات متحده نیز به عنوان متحد سنتی اروپا طی دو جنگ جهانی بوده و در طرح مارشال در بازسازی اروپا شرکت کرده است. انگلستان همواره با عنوان یک پل ارتباطی بین آمریکا و اروپا نقش اساسی را ایفا می کند.

در قضیه حمله به عراق و سقوط صدام حسین فقط دولت فرانسه حاضر به همکاری نشد و عدم همگرایی ژاک شیراک با جورج بوش به خاطر کمک هایی بود که فرانسه به عراق کرده بود.

آلمان اگرچه وحدت خود را بازیافته است و نیروهای نظامی روسیه خاک آلمان را ترک کرده اند ولی اشغال شهر کونیکسبرگ (محل تولد کانت) که در یک شهر آلمانی نشین و در بین مرز لهستان و خاک روسیه قرار دارد و از شهرهای پروس شرقی است که آلمان ها به این شهر بسیار عشق می ورزند، این قضیه می تواند به عنوان یک استخوان لای زخمی باشد که در آینده در صورت روی کار آمدن یک حکومت اقتدارگرا و تقریباً فاشیست در آلمان زمینه ای برای بحران در این منطقه باشد. این شهر هم اکنون به نام کالینینگراد نامیده می شود. ایالات متحده از زمان حادثه یازده سپتامبر در زمینه مبارزه با تروریسم با روسیه همنوایی و همگرایی دارد ولی مطابق مصاحبه مطبوعاتی که در بامداد روز ۱۵ ژوئیه ۲۰۰۶ توسط پوتین و بوش در سن پترزبورگ انجام شد این اظهارنظر پوتین درباره عراق که دولت روسیه ایجاد این نوع دموکراسی که در این کشور با چنین وضعیتی که باعث کشتار مردم می شود مورد قبولش نیست یک نوع اختلاف عمیق بین پوتین و بوش را نمایان می سازد. ژاپنی ها که در زمره غنی ترین کشورهای صنعتی در شرق آسیا هستند، هنوز نتوانسته اند به خود بقبولانند که یک پیمان صلح دائم با روسیه را امضا کنند زیرا ژاپنی ها استرداد مجمع الجزایر کوریل را همواره در زمان مذاکره با مقامات مسکو از زمان گورباچف تاکنون در دستور کار خود دارند. از جانب دیگر به علت پشتیبانی مسکو از پیونگ یانگ در زمینه سلاح های هسته ای و موشک های دوربرد بین دولت ژاپن و روسیه شکاف های قدیمی عمیق تر شده است. ایالات متحده و سایر کشورهای گروه هشت که در اروپا هستند از تعطیل بازارهای خود در جهان در رقابت با فروش ارزان قیمت مصنوعات چینی، احساس خطر می کنند. دولت دیگری که در تولید صنعت اتومبیل گوی سبقت را از هفت قدرت دیگر صنعتی ربوده ژاپنی ها هستند. حتی در ایالات متحده و اروپا اتومبیل ارزان قیمت ژاپنی به فروش می رسد. دولت های اروپایی و آمریکا و کانادا مجبور شدند که در ژوئیه ۱۹۹۱ ضمن عقد قراردادی با ژاپن این دولت را موظف نمایند که صدور اتومبیل به مناطق مختلف جهان را با آهنگی آهسته آغاز کند تا سازندگان اتومبیل های اروپا و آمریکا فرصت داشته باشند که خود را برای رقابت با ژاپن آماده کنند. اما دولت کویزومی در حال حاضر آهنگ رشد تولیدات صنعتی خود را بالا برده است موضوعی که ایالات متحده به رهبری جورج بوش همواره مورد نظرش است، نشان دادن شدت عمل در مناسبات جهانی است. اما ولادیمیر پوتین در مصاحبه ۱۵ ژوئیه ۲۰۰۶ با لحن مودبانه ای این موضوع را رد کرد و حتی درباره استفاده از انرژی اتمی در امور غیرنظامی را حق همه کشورها دانست. به هر صورت کنفرانس و گردهمایی سن پترزبورگ یک بوته آزمایشی خواهد بود که مردم دنیا ملاحظه خواهند کرد که غول های صنعتی تا چه حد خواهان همزیستی مسالمت آمیز هستند و تا چه میزانی سرنوشت ملت ها را در برابر منافع خود فدا خواهند کرد. چنانچه این هشت قدرت صنعتی به مرور و در آینده همگرایی کامل داشته باشند که چنین موضوعی محال است ملت های ضعیف و در حال رشد به ادبار و بدبختی که تصور آن حتی برای مردم دنیا دهشت آور است، دچار خواهند شد و چنانچه این قدرت ها همواره در حال تقابل و دسته بندی در برابر یکدیگر باشند، دنیا دچار همان بحرانی خواهد شد که طی چهل و پنج سال دچار بلیه ای به نام جنگ سرد بود و مردم جهان لحظه ای آرامش نداشتند. بهترین راه در پایان چنین کنفرانس هایی، تصمیم های انسان دوستانه سیاسیون بزرگ دنیا است که متاسفانه سیاست با انسان دوستی و اخلاق در یک قالب نمی گنجند.

نهادهای سیاسی

چگونگی پایه ریزی گروه هفت

مقدمات شکل گیری گروه هفت از ابتدای دهه ۱۹۵۰ آغاز شد. اولین جلسه نمایندگان کشورهای صنعتی اروپای غربی و ایالات متحده در نوامبر ۱۹۷۵ در کاخ رامبویه واقع در پاریس تشکیل شد. تشکیل این جلسه متضمن مقدماتی بود. آلمان و فرانسه به رهبری آدنائر وگیموله به اختلافات خود خاتمه دادند و در بیانیه مشترکی در ۱۵ سپتامبر ۱۹۵۸ ژنرال دوگل رئیس جمهور فرانسه و آدنائر صدراعظم آلمان به تشکیل اتحادیه کشورهای صنعتی اروپا تاکید کردند و پس از مدتی آمریکا و ژاپن نیز وارد این جرگه شدند و بدین ترتیب در کنفرانس رامبویه پاریس در ۱۹۷۵ هفت قدرت صنعتی مانند ایالات متحده، ژاپن، کانادا، آلمان غربی، ایتالیا، فرانسه و انگلستان وجود هفت قدرت صنعتی را پایه ریزی کردند. این هفت قدرت به کمک ایالات متحده با هدف تضعیف شوروی و اقمارش از نظر سیاسی، نظامی و اقتصادی به وجود آمد تا حدی که موفق شدند در ۱۹۹۱ شاهد فروپاشی نظام کمونیسم در شوروی و اروپای شرقی باشند. علت آنکه ژاپن در زمره کشورهای صنعتی اروپایی درآمده بود این بود که روسیه شوروی در ۱۹۴۵ مجمع الجزایر کوریل را که مشرف بر جزیره هوکایدو ژاپن بود تصرف کرده بود و از این نظر ژاپن احساس عدم امنیت می کرد و از نظر صنعتی و نظامی با اروپاییان همسو شده بود. از جانب دیگر از میان بزرگترین غول های نفتی به نام هفت خواهران نفتی که در اصطلاح به بزرگترها Majors معروف بودند متعلق به کشورهای گروه هفت بودند. از میان آنها موبیل، گلف، تگزاکو استاندارداویل نیوجرسی متعلق به ایالات متحده و دو شرکت رویال داچ شل و بریتیش پترولیوم متعلق به انگلستان و فقط بخشی از شرکت رویال داچ شل متعلق به هلند بود. در جوار این هفت خواهران، شرکت نفت فرانسه شرکت نفتی انی ایتالیایی نیز از جمله غول های نفتی بودند که در تمام جهان اکتشاف بهره برداری، حمل و نقل انرژی در جهان را برعهده داشتند و وجود این شرکت ها هفت قدرت صنعتی را به صورت غول های شکست ناپذیر در جهان صنعتی امروز درآورده بود. حتی شرکت های ژاپنی میتسویی و میتسوبیشی ژاپن که دو غول صنعتی بودند در زمینه نفت نیز فعالیت کرده و با شرکت موبیل آمریکایی ارتباط داشتند. از جانب دیگر هفت شرکت نفتی آلمانی تحت نام «پگو پکو» با هفت خواهران نفتی در تمام مناطق نفت خیز دنیا همکاری داشتند. جامعه زغال سنگ و فولاد اروپا که تشکیل دهنده اولیه آنها کشورهای صنعتی اروپای غربی در دهه ۱۹۵۰ بودند ضمن همکاری مستمر با گروه صنعت، اروپای غربی را از نظر هفت به عصر نوین فراصنعتی سوق دادند. بعد از فروپاشی نظام کمونیستی در اروپا هدف کشورهای گروه هفت تغییر کرد. تولد روسیه گرسنه که بخشی از آن تجزیه شده بود با اقتصاد بیمار برای هفت غول صنعتی فرصت مناسبی در زمینه دخالت نه تنها در کشورهای سابق بلوک شوروی که حوزه امنیتی روسیه محسوب می شدند بلکه در امور داخلی روسیه فراهم شد. بعد از فروپاشی شوروی این بار به ژاپن و شش قدرت صنعتی دیگر قصد کردند که خواسته های خود را به روسیه بقبولانند. در جریان نوزدهمین کنفرانس رهبران هفت قدرت صنعتی در ۱۴ ژوئیه ۱۹۹۳ که در شهر توکیو تشکیل شد. در حاشیه این اجلاسیه بوریس یلتسین نه به عنوان یک قدرت صنعتی بلکه به عنوان مهمانی که خواستار کمک های غذایی و فناوری صنعت ماهیگیری بود شرکت کرد. ژاپنی ها به او اخطار کردند که در صورت برگردانیدن مجمع الجزایر کوریل به ژاپن امکان دادن کمک به روسیه فراهم خواهد شد. یلتسین از ترس مخالفان سیاسی خود در داخل شوروی پس از شنیدن این پیشنهاد ضمن رد آن، ژاپن را ترک کرده و به مسکو آمد. در آلمان هلموت کهل صدراعظم آلمان به یلتسین اخطار کرد که هر چه زودتر قوای نظامی خود را که از پایان جنگ جهانی دوم در شرق آلمان و کشورهای اروپای شرقی نگه داشته است به روسیه برگرداند. کهل به رهبر روسیه قول داد که در عوض یک میلیارد مارک مواد غذایی برای رفع کمبود مواد غذایی در روسیه به آن کشور خواهد فرستاد. متعاقب آن دولت آلمان برای دلجویی و دادن تاوان به خانواده قربانیان شوروی که در زمان جنگ جهانی دوم به دست سربازان هیتلر کشته و معلول شده بودند کمک های نقدی کرد. ورود روسیه به گروه هفت و تولد گروه هشت در ۱۹۹۸ مرهون زحمات پوتین است. پوتین توانست با اقتدار قدرت را به دست گیرد و اقتصاد بیمار روسیه را تا جایی که در حد توانش بود معالجه کند به طوری که باعث تحسین کشورهای صنعتی شود و آبروی رفته روسیه را به این کشور بازگرداند به طوری که کشورهای صنعتی، روسیه فدراتیو را به عنوان یک قدرت صنعتی در جرگه خود بپذیرند و در حال حاضر مهماندار رهبران هفت گروه صنعتی در شهر سن پترزبورگ باشد که نماد عظمت و اقتدار دوران پطرکبیر است.

فراخوان طراحی آرم سازمان بهزیستی کشور

سازمان بهزیستی کشور، در آستانه هفته بهزیستی (۲۴ الی ۳۰ تیرماه)، از طراحان گرافیک برای طراحی آرم رسمی سازمان بهزیستی دعوت به عمل می آورد.

علاقمندان می توانند ایده های خود را برای به تصویر کشیدن مأموریت های تخصصی این سازمان از جمله امور توانبخشی، پیشگیری، مددکاری اجتماعی و مشارکت های مردمی با محوریت مضامین مهرورزی، امید، توانمند سازی و بهتر زیستن ارایه دهند. در طراحی آرم سازمان بهزیستی طراحان گرافیک، باید فرهنگ دینی و اسلامی و نیز توجه به ویژگی های خاص سازمان بهزیستی را مد نظر داشته باشند.

شرایط شرکت:

اندازه آثار: لوگو (۴۲ × ۲۹)

مهلت ارسال: پایان مرداد ماه ۸۵

حداکثر تعداد آثار ارسالی برای هر شرکت کننده سه اثر می باشد.

شرکت کنندگان باید مشخصات، آدرس و تلفن تماس خود را به همراه اثر ارسال نمایند.

ارائه آثار به صورت فایل jpg با 72dpi و در گزینش نهایی ارائه کار با dpi300 الزامی و ارائه پرینت رنگی A4 الزامی است.

به نفرات اول تا پنجم به ترتیب ۱۰، ۵، ۳، ۲ و ۱ سکه بهار آزادی اهدا می شود. آثار برگزیده به صورت نمایشگاه معرفی و در معرض دید عموم علاقمندان قرار می گیرد و همچنین به صورت کتاب منتشر خواهد شد.

نشانی دبیرخانه: تهران - خ شهید فیاض بخش، سازمان بهزیستی کشور، اداره کل روابط عمومی

صندوق پستی: ۱۱۳۶۵/۴۱۸۷ URL:www.behzisty.ir Email :info@behzisty.ir

آگهی مناقصه

شرکت توسعه منابع آب و نیروی ایران - "طرح راههای جایگزین کارون ۳ و ۴" در نظر دارد ترابری دریایی دریاچه کارون ۳ را از طریق برگزاری مناقصه به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید. از پیمانکاران ذیصلاح دعوت می گردد پس از واریز مبلغ ۲۰۰/۰۰۰ ریال بهای اسناد به شماره حساب سپهر ۲۱۹۵۱۱۸۰۰۸۰۰۶ بانک صادرات شعبه میدان استقلال با همراه داشتن فیش واریزی حداکثر یک هفته پس از درج آگهی در روزنامه به محل طرح واقع در تهران - بزرگراه مدرس - تقاطع آفریقا - خیابان بیدار - شماره ۴۰ - طبقه هفتم امور قراردادهای طرح راههای جایگزین کارون ۳ و ۴ تلفن تماس ۲۷۸۲۲۷۵۷ و ۲۷۸۲۲۷۰۰ مراجعه نمایند.

مشخصات کلی:

۱- مدت اجرای کار: ۱۲ ماه شمسی

۲- برآورد مبلغ اولیه کار: ۷ میلیارد ریال

۳- تعداد شناورها: ۷ فروند بارج سنگین و ۴ فروند قایق سبک (والفجر)

۴- محل اجرای کار: ۳۰ کیلومتر جاده ایذه به شهرکرد - دریاچه سد کارون ۳